



ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال دوم شماره ۴۹

۲۶ بهمن ۱۳۹۵ / ۱۵ فوریه ۲۰۱۷

حقوق ما

اعلام

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: مریم دهکردی، ماهک نیک نهاد، رضا حاجی حسینی، معین خزائلی

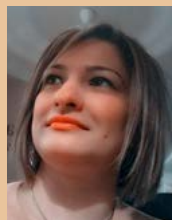
صفحه بندی: ماهور خوش قدم

مشاور حقوقی: محمد اولیایی فرد

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست



مجازات اعدام: چالش پردامنه جمهوری اسلامی
در زمینه حقوق بشر



«تغییر در سیاست اعدام در ایران، نیازمند تغییراتی در
جمهوری اسلامی است»



مطالبه فراتر از دیه قانونی، تجارت با جان مجرم



وقتی همه مفسد فی الارض اند



اعدام در ملأ عام، نقض حقوق محکوم و تماشاگر

قصاص نفس؛ حکمی که همچنان اعدامی می گیرد

حقایقی درباره اعدام در جهان

به پس از ۱۸ سالگی موکول می‌کند. در سال ۲۰۱۶، حداقل ۵ مجرم زیر ۱۸ سال در میان اعدام‌شدگان بوده‌اند.

اعدام زنان و اعدام به دلیل قتل عمد به همراه شکل‌های نامتعارف اعدام مثل سنگسار، همواره از موضوعات دیگری بوده که در گزارش‌های مربوط به اعدام در ایران مطرح شده است و جمهوری اسلامی ایران چندین اعدام در ملاءعام و دیگر مجازات‌های غیرانسانی و وحشیانه از جمله قطع عضو و کور کردن چشم را در سال ۲۰۱۶ مانند سال‌های گذاشته اجرا کرده است.

سال گذشته از نظر اعدام ۲۵ زندانی کرد، رکورددار بود. در ماه آگوست سال ۲۰۱۶ شهرام احمدی و ۲۴ زندانی کرد سنی مذهب با اتهام همکاری با گروه‌های سنی شبه نظامی اعدام شدند در حالی که برای اعترافات اجباری تحت شکنجه قرار گرفته بودند و احکام اعدام آنان توسط دادگاه انقلاب در محاکمه‌هایی که کمتر از ۱۵ دقیقه و بدون امکان هیچ‌گونه دفاعی صادر شد.

مبارزه با اعدام اما در ایران مبارزه‌ای بدون هزینه نیست. فعالان مبارزه با اعدام همواره زیر شدیدترین فشارها قرار دارند و چهره مشهور مبارزه با اعدام نرگس محمدی به دلیل تاسیس کمپین لگام (گام به گام تا لغو اعدام) ۱۰ سال حکم زندان گرفته است.

با وجود این تلاش‌های فعالان مدنی در یک زمینه برای فرهنگ سازی و مبارزه با اعدام موفق بوده: به این معنا که در سال ۲۰۱۶ تعداد افرادی که در مقابل اعدام، بخشش را انتخاب کردند به‌طور قابل توجهی بالاتر از تعداد کسانی بوده که درخواست حکم قصاص کرده بودند.

این شماره مجله حقوق ما به مناسبت انتشار نهمین گزارش سالانه اعدام از سوی سازمان حقوق بشر ایران، در ادامه شماره‌های پیشین به شکل ویژه به مجازات اعدام اختصاص دارد و گرچه حقوق ما در شماره‌های قبلی هم به ابعاد مختلفی از این مساله پرداخته، در این شماره کوشش کرده تنها به موضوعاتی بپردازد که با موضوعات قبلی همپوشانی نداشته‌اند.

۲۰۱۶ دستکم ۶۴ درصد از اعدام‌ها در این سال و بیش از ۳۲۰۰ اعدام از سال ۲۰۱۰ تا کنون توسط دادگاه‌های انقلاب صادر و اجرا شده است.

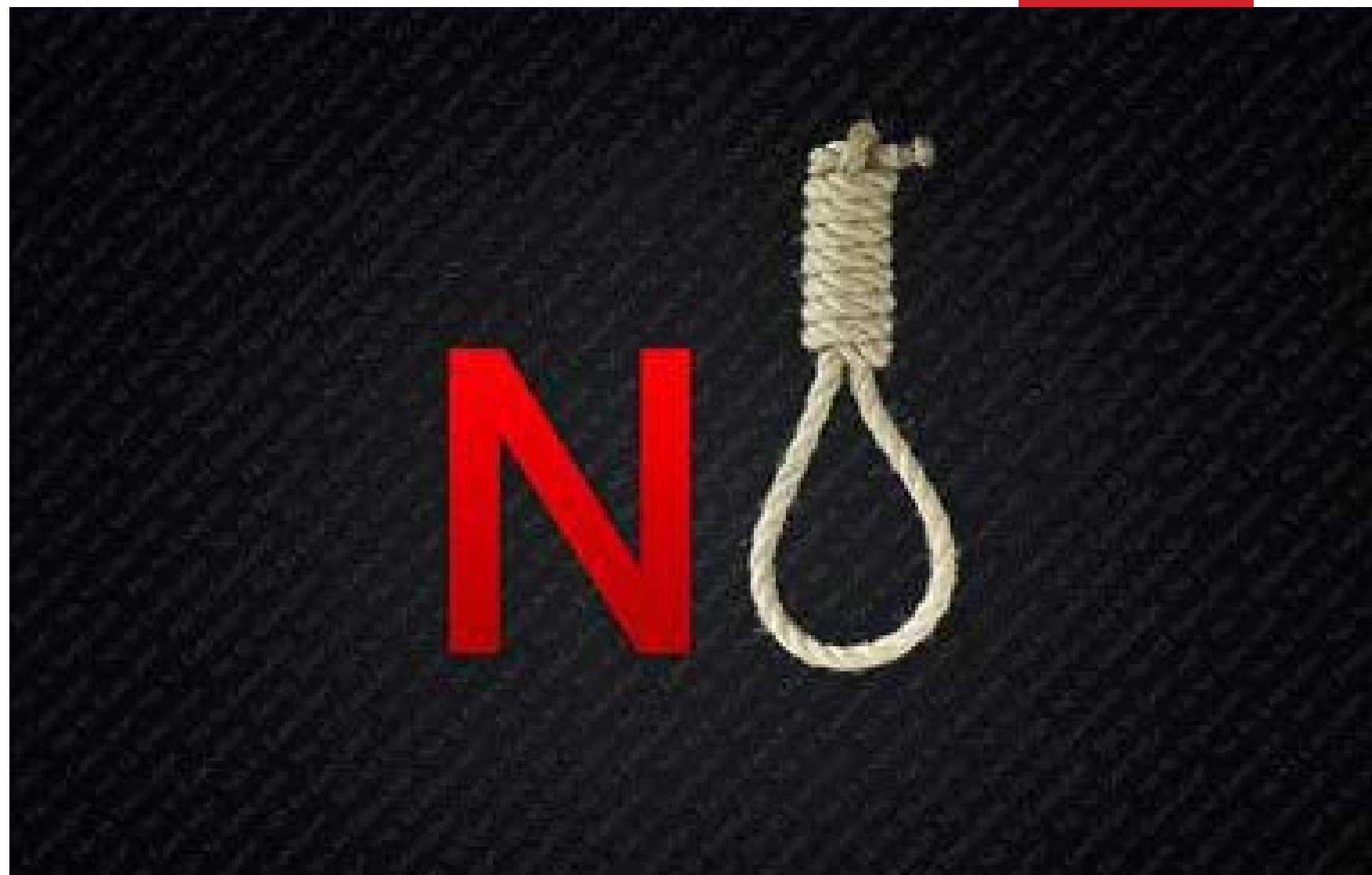
دادگاه‌های انقلاب که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تشکیل شد، هرگز به کار خود پایان نداد و احکام این دادگاه در دهه‌های گذشته به عنوان احکامی غیرشفاف که با محاکمه‌هایی کمتر از ۱۵ دقیقه، بدون دسترسی به وکیل انتخابی صادر شده، از روش‌هایی چون اعترافات اجباری تحت شکنجه استفاده کرده است.

نکته مهم دیگری که در گزارش سالانه اعدام سازمان حقوق بشر ایران به چشم می‌خورد، تعدد اعدام‌شدگان در ارتباط با مواد مخدر است. بر اساس این گزارش ۲۹۵ نفر با اتهامات مرتبط با مواد مخدر اعدام شده‌اند که معادل ۵۶ درصد اعدام‌شدگان است. تعدد اعدام‌های مربوط به مواد مخدر همواره ایران را تحت فشار نهادهای بین‌المللی قرار داده و در نهایت در سال ۲۰۱۶ بحث درباره عدم بازدارندگی مجازات اعدام در زمینه جرائم مرتبط با مواد مخدر به یک فوریت لایحه‌ای با امضا ۱۵۰ نماینده مجلس شورای اسلامی انجامید که در آن خواهان حذف مجازات اعدام برای برخی از جرائم مربوط مواد مخدر شده بودند. با این حال، این لایحه در معنای دقیق‌تر به دنبال حذف مجازات اعدام نیست و جمهوری اسلامی بارها تاکید کرده که مجازات اعدام را حذف نخواهد کرد.

چالش دیگر در زمینه مجازات اعدام در ایران تمایل جمهوری اسلامی به اجرای این حکم در ملاءعام است که در سال ۲۰۱۶ به ۳۳ اعدام در ملاءعام ختم شده است.

با وجود تلاش‌های کنشگران مدنی برای مبارزه با این شیوه و اثرگذاری بر افکار عمومی، همچنان تماشای اعدام یک تفریح خانوادگی و یک مراسم عمومی است، گرچه در مواردی هم کنشگران موفق شده‌اند تعداد حاضران در این مراسم را کم کنند.

به عنوان یک چالش همیشگی دیگر باید به مجازات اعدام برای مجرمانی اشاره کرد که زیر ۱۸ سال مرتکب جرم شده‌اند. جمهوری اسلامی برای کودکان هم مجازات اعدام تعیین می‌کند و تنها اجرای آن را



مجازات اعدام: چالش پردامنه جمهوری اسلامی در زمینه حقوق بشر

مجازات اعدام در ایران در سال ۲۰۱۶ منتشر شد اما هرچند بر اساس این گزارش تعداد اعدام‌ها کاهش یافته، اما همچنان نشان می‌دهد که ۵۳۰ نفر در سال ۲۰۱۶ میلادی اعدام شده‌اند. نکته خاص و ویژه گزارش سالانه اعدام از سوی سازمان حقوق بشر ایران تاکید بر نقش دادگاه انقلاب به عنوان یکی از عوامل اصلی سرکوب و ناقض روند دادرسی عادلانه در نظام قضایی ایران است. بر اساس این گزارش، دادگاه‌های انقلاب مسئولیت اکثر احکام صادره اعدام در ۳۷ سال گذشته را به عهده داشته‌اند و طبق گزارش سازمان حقوق بشر ایران در سال



نعمه دوستدار

در ایران دست کم یک اعدام در هر روز انجام می‌شود. نهمین گزارش سالانه سازمان حقوق بشر ایران درباره

«تغییر در سیاست اعدام در ایران، نیازمند تغییراتی در جمهوری اسلامی است»



مریم دهکردی

را شامل نشده در واقع این آمار شامل اعدام‌هایی است که یا مدرک مشخصی از آنها وجود داشته مثل عکس، گزارش یا منابع مستقل آگاه آنها را تایید کرده‌اند.

– پس گمان می‌کنید علت این کاهش نسبی چه بوده؟
ببینید در همین سه ماهه نخست سال ۲۰۱۷ بیش از ۱۷۰ نفر اعدام شده‌اند این موضوع نشان می‌دهد آن کاهش نسبی کاملاً مقطعی بوده. طبق بررسی‌های ما در ماه فوریه و مارس ۲۰۱۶ در مجموع ۳ اعدام داشته‌ایم. در ماه ژوئن هم ۱۶ اعدام گزارش شده و این سه ماه منجر شده به اینکه در مجموع آمار اعدام در سال ۲۰۱۶ نسبت به سال‌های پیشین کمتر شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در فوریه انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران برگزار شد و بعد هم عید نوروز بود. ماه ژوئن هم در ایران با ماه رمضان مصادف بود که در برخی روزها اعدام صورت نمی‌گیرد. این توضیح می‌دهد که به چه دلیلی آمار اعدام‌ها در این ماه‌ها کم بوده.

از طرف دیگر، بعد از توافق هسته‌ای اتحادیه اروپا دیالوگ‌هایی با ایران شروع کرد که برای اولین بار پس از ریاست جمهوری روحانی مساله حقوق بشر را در ایران پیگیری کند. این بدین معنا بود که در سه سال نخست ریاست جمهوری روحانی، مذاکراتی که بین قدرت‌های جهان و ایران بود اصلاً حول محور حقوق بشر در ایران نبود و مساله اعدام را یا اصلاً شامل نمی‌شد یا اصلاً ارجحیت نداشته.

– به نظر شما کارزارهایی که برای لغو یا کاهش اعدام در ایران صورت می‌گیرند چقدر در کاهش احکام اعدام تاثیر گذار بودند؟

متأسفانه در سیستم جمهوری اسلامی کارزارها در واقع بیشتر برای قصاص‌ها و تلاش برای بخشش نتیجه بخش هست. حتماً می‌دانید که در ایران احکام اعدام برای جرائم مختلفی صادر می‌شود. این مجازات اغلب برای محکومان جرایم مواد مخدر، قتل عمد و تجاوز و امثالهم صادر می‌شود. کارزارهایی که در ایران برگزار می‌شود بیشتر شامل محکومین به اعدام برای قتل است. در گزارش ما هم به این نکته اشاره شده که میزان بخشش‌ها افزایش داشته و این خوشبختانه مثبت است. اما کارزارها وقتی نتیجه اساسی دارد که منجر به افزایش دادن هزینه اعدام در جمهوری اسلامی شوند. این کارزارها در موارد مشخصی تاثیر گذار بودند اما نه خیلی زیاد. البته فعالیت‌های گروه‌های مردمی مثل جمعیت امام علی و امثالهم باید مورد

۱۸ اسفندماه ۱۳۹۵ نهمین گزارش سالانه مجازات اعدام در ایران توسط سازمان حقوق بشر ایران منتشر شد. این گزارش تجزیه و تحلیلی از روند اعدام‌ها در سال ۲۰۱۶ ارائه می‌کند و در آن آمده است که در سال ۲۰۱۶ دستکم ۵۳۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند. اگر چه شمار اعدام‌ها از کاهش نسبی آن به نسبت سال‌های گذشته خبر می‌دهد اما ایران همچنان در صدر کشورهای اعدام‌کننده جهان قرار دارد. در خصوص جزئیات مطرح شده در این گزارش گفت‌وگویی داشتیم با محمود امیری مقدم، بنیان‌گذار و سخنگوی سازمان حقوق بشر ایران و از او در ارتباط با فعالیت‌هایی که گروه‌های مختلف مدنی در خصوص محدود کردن مجازات اعدام در داخل و خارج از ایران انجام داده‌اند و نتایج حاصل شده پرسیدیم.

– به طور کلی آمار اعدام در ایران در سال ۲۰۱۶ نسبت به سال‌های پیشین چه تغییراتی داشته است؟
آمار کلی اعدام به طور میانگین اگر در شش سال گذشته محاسبه کنیم آمار سال ۲۰۱۶ کاهش داشته ولی با این وجود با بیش از به طور متوسط یک اعدام در روز ایران همچنان در صدر کشورهای اعدام‌کننده جهان قرار دارد و میزان اعدام‌ها بسیار بالاست. از سوی دیگر اعدام نوجوانان بزهکار همچنان ادامه داشته. همینطور اعدام‌های در ملاءعام همچنان انجام شده و اینکه بگوییم اعدام‌ها کاهش نسبی داشته به این معنا نیست که این کاهش نسبی در پی تغییرات ساختاری یا بنیادین و به صورت قانونی یا در پی یک تصمیم مشخص سیاسی انجام شده باشد که اگر اینگونه بود همین کاهش نسبی می‌توانست دستاورد ارزشمندی باشد.

– وقتی صحبت از آمار می‌کنیم در این گزارش منظور آمار اعلام شده از سوی منابع رسمی است یا غیررسمی؟
هردوی اینها هست. ۴۴ درصد این آمار رسمی هست و ۵۶ درصد آمار غیررسمی است. آمار غیررسمی را ما توسط دو منبع مستقل تایید می‌کنیم و به همین دلیل همه اعدام‌ها

توجه قرار بگیرد.

– فکر می‌کنید برای اثربخشی بیشتر در این خصوص یا تغییر سیاست اعدام در ایران باید چه کرد؟
به طور کلی برای تغییر سیاست اعدام در ایران ما نیازمند چند تغییر در مکانیزم‌های جمهوری اسلامی هستیم. اول تغییر در قانون، دوم مساله دادرسی عادلانه. چیزی که در این گزارش تازه هم بر آن تاکید شده مساله دادرسی عادلانه است. در واقع تمامی اتهاماتی که به مواد مخدر مربوط هستند علاوه بر محاربه و افساد فی الارض در دادگاه‌های انقلاب مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. در دادگاه‌های انقلاب از بدو تاسیس تا به امروز دادرسی عادلانه نداریم – بر اساس استانداردهای بی‌المللی – اسم این دادگاه‌ها را نمی‌شود دادگاه گذاشت چرا که در همه مواردی که بررسی کردیم کسانی که در این دادگاه‌ها محکوم به اعدام شدند اولاً بدون استثنا مورد شکنجه واقع شدند و وادار به اعتراف شدند.

دوم اینکه اعترافات گرفته شده تحت شکنجه مهمترین مدرکی بوده که قضات برای صدور رای به آن استناد کرده‌اند و همچنین این افراد اغلب پس از دستگیری به وکیل انتخابی یا تسخیری دسترسی نداشته‌اند و اگر هم وکیل بعد از صدور حکم به پرونده دسترسی پیدا کرده عملاً نمی‌توانسته کاری از پیش ببرد. در بسیاری از موارد حتی قاضی اجازه دسترسی وکیل به پرونده را هم صادر نکرده است. در نتیجه اگر بخواهیم مجازات اعدام را در ایران محدود کنیم این دو مورد باید بعنوان پیش شرط مورد نظر قرار بگیرد.

– لایحه حذف مجازات اعدام برای محکومین مواد مخدر که به مجلس هم فرستاده شد می‌تواند گام موثری در این زمینه باشد یا خیر؟

بله اما این هم یک پروسه بسیار طولانی مدت خواهد بود. این قوانین به دلیل اینکه توسط نهادهای مختلفی بر روی آنها اعمال نظر می‌شود نقاط ابهام مختلفی دارند. مثلاً در همین مورد مشخص نیست شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام در اینباره چه نظری دارد. چون کلیه قوانین مواد مخدری که در ۳۰ سال گذشته مورد بازبینی و تغییر قرار گرفته‌اند توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام این کار انجام شده است. تا وقتی موضع و نقش آنها مشخص نشود خیلی نمی‌شود در این مورد نظر داد. همینطور قوه قضائیه نظرات ضد و نقیض در این مورد ارائه کرده است. آقای لاریجانی



چقدر موثر هستند؟

خیلی زیاد. ببینید این موضوع مثل آپارتاید است باید اطلاع رسانی دقیق و مستمر درباره‌اش بشود. در ژاپن سالی دو یا سه نفر متاسفانه اعدام می شوند. تمام مطبوعات در داخل ژاپن و خارج از آن این اخبار را در سطح گسترده پوشش م دهند و جامعه جهانی ابراز تاسف می کند ولی در ایران روزانه یک اعدام اتفاق م افتد فقط در برخی موارد خاص این اخبار به صورت وسیع منتشر می شود یا مورد توجه افکار عمومی قرار می گیرد و جامعه جهانی هم آنطور که باید محکوم نمی کند و واکنش نشان نمی دهد. حتی در رسانه‌های عمومی فارسی زبان خارج از ایران هم اینطور نیست که همه رسانه‌ها اخبار اعدام ها را پوشش بدهند.

می دانید صحبت از ارزش و کرامت انسانی است و نباید تعداد در آن دخیل باشد. بحث آموزش و آگاهی نسل آینده است. کسانی که امروز کودک و نوجوانند باید بدانند که جان انسان ارزشمند است و آنها در ایران می بینند که با استفاده از قانون جان انسان‌ها گرفته می شود و هیچ اتفاقی هم نمی افتد متاسفانه. یا مثلا در خصوص اقلیت های دینی به رسمیت شناخته نشده در قانون اساسی ایران کشتن یک فرد اقلیت یک قتل عادی نیست یا مثلا در خصوص قتل توسط پدر یا جد پدری ... بر اساس قانون بین‌المللی اعدام فقط د رمورد جرائم بسیار جدی باید صورت بگیرد مثل کشتار جمعی، نسل کشی در حالیکه در ایران برای مجازات جرائمی که می تواند زندان‌های طولانی یا مجازات های دیگری داشته باشد اعدام صادر می شود. البته ناگفته نماند اگر چه میزان اعدام‌ها همچنان بالاست اما از سوی دیگر میزان بخشش هم در ایران به نسبت گذشته سیر صعودی داشته که جای امیدواری است. اگرچه بخشش مشکلاتی دارد مثل اینکه فرد مجرم دیه را پرداخت می کند و آزاد می شود گاهی دافعه ایجاد می کند. این یکی از موارد قانونی داخل ایران برای نه گفتن به اعدام است. مواردی مثل نه گفتن به تماشای اعدام در ملاء عام داشته ایم که جای خوشنودی داشته و شهروندان برای تماشای اعدام حاضر نشده‌اند. اینها در رسانه‌ها باید بیشتر و بیشتر منعکس شوند تا نتیجه بهتری حاصل شود.

– در مجموع در دولت آقای روحانی وضعیت اعدام ها را چگونه دیدید؟

متاسفانه به نظر نمی‌آید مساله کاهش اعدام در سیاست‌های کاری دولت روحانی جایگاهی داشته باشد چون به وضوح در مقایسه با دوره اول و دوم احمدی نژاد میزان اعدام‌ها بیشتر بوده و این باعث تاسف است و امیدوارم که با پیگیری گروه‌های جامعه مدنی در این مورد هم پیشرفت‌هایی حاصل شود.



سادگی نباید از این موضوع عبور کرد. مخالفت با یک مجازات بخشی از آزادی عقیده و بیان است و هزینه این سرکوب‌ها رو باید برای جمهوری اسلامی بالا برد. مطالعات ما در سال‌های گذشته نشان می دهد که اغلب افرادی که به اعدام محکوم شده اند جرائم غیرسیاسی داشتند ولی زمان بندی اعدام‌ها ارتباط نزدیکی با رویدادهای سیاسی در ایران داشته مثلا در ایام انتخابات وقتی حکومت به مشارکت مردم نیازمند است اعدام‌ها کاهش دارد و برعکس وقتی اعتراضی در حال شکل گیری است و نیاز به ایجاد رعب و وحشت در جامعه است، میزان مجازات اعدام افزایش می یابد. این موضوع را بیش از ۱۰ سال است که ما مطالعه کرده‌ایم. در نتیجه اعدام‌ها اهداف سیاسی را دنبال می کنند و تغییر این سیاست یک کارزار دراز مدت و پایدار را می‌طلبد.

– فکر می کنید رسانه ها در رسیدن به این هدف

برخلاف کلیه حرف‌هایی که طی دو سه سال گذشته مطرح شده، به تازگی گفته اند این اشتباه است که بگوییم اعدام کارایی نداشته و از قضاات خواسته احکام اعدام را به تعویق نیندازند به شکلی که افراد محکوم شده شامل عفو شوند. ضمن اینکه حتی اگر این قانون تصویب هم شود باز هم تضمینی برای کاهش مجازات اعدام در این خصوص نداریم چون این قانون همه جرایم مواد مخدر را شامل نمی شود و تبصره های مختلفی دارد. مثلا اگر فرد حامل مواد مخدر همراه خودش یا شریکش سلاح گرم داشته باشد شامل مجازات اعدام می‌شود حتی اگر از سلاح استفاده نکند. یا اگر همراه حمل و نگهداری مواد سلاح سرد حمل کند به شرطی که از آن استفاده کند باز شامل مجازات اعدام خواهد شد. با این وجود در این قانون اصلا مسئله دادرسی عادلانه مطرح نیست و همچنان رسیدگی به این جرائم در اختیار دادگاه‌های انقلاب خواهد بود.

– راهکار چیست به نظر شما؟ چطور باید حاکمیت را به سمت تن دادن به کاهش مجازات اعدام سوق داد؟

واقعیت این است که پیشرفت‌هایی حاصل شده. اگر به شش سال گذشته نگاه کنیم می بینیم که تا پیش از ۲۰۱۰ متهمان محکوم به اعدام مواد مخدر اصلا در افکار عمومی مورد توجه واقع نمی شدند در حالی‌که الان این موضوع به یکی از گفتمان های اصلی در خصوص مجازات اعدام در داخل و بیرون ایران تبدیل شده است. این یک فشار سیاسی است بر روی جمهوری اسلامی . آگاهی سازی افکار عمومی در باره این مساله و تلاش پایدار برای به نتیجه رساندن این موضوع شدنی است.

ما در همین گزارش یکی از خواسته هایمان انحلال دادگاه‌های انقلاب است. این یک خواسته خیلی دور از دسترس نیست اما اول باید به یک گفتمان غالب تبدیل شود تا به نتیجه برسد. این پرسش باید در میان حقوقدانان مطرح شود که چرا دادگاهی که ۳۷ سال قبل برای رسیدگی به اتهامات افرادی که به حکومت قبلی مرتبط بودند تشکیل شد همچنان با همان شکل و شیوه کار دارد به کار خود ادامه می دهد؟ چرا قضاات از اختیارات فراقانونی خود استفاده می کنند؟ پرسش در اینباره یک خط قرمز در جمهوری اسلامی نیست و وکلا و حقوقدانان باید در فرصت هایی که دارند به آن بپردازند. شما ببینید هفت سال قبل در مجلس ایران تصور اینکه بشنویم مثلا اعدام قاچاقچیان مواد مخدر کارآمد نبوده یا پیشگیرانه نبوده ممکن نبود اما در یکی دو سال اخیر به کرات این موضوع مطرح شده است. حتی محمد باقر الفت یکی از معاونان رئیس قوه قضائیه مطرح کرد که افرادی که اعدام می شوند قاچاقچیان اصلی نیستند و گاه افراد بی بضاعتی هستند که در ازای مبلغی ناچیز مجبور به جابه جایی مواد می شوند.

در نتیجه برای رسیدن به هدف که محدود کردن مجازات اعدام در حال حاضر هست- چون برای لغو باید خیلی جنبش بزرگی رخ بدهد- همه باید کار کنند چون اعدام در ایران فقط وابسته به قانون گذاران یا جامعه مدنی یا جامعه بین المللی تنها نیست. این پروسه ایست که به طول می انجامد اما غیرممکن نیست.

– مجازات های سنگین برای فعالان حوزه لغو مجازات اعدام مثل خانم نرگس محمدی را چطور باید پیگیری کرد؟ چطور می شود از آنها حمایت کرد؟

این یکی از مواردی است که ما عنوان کردیم یعنی سرکوب فعالان مدنی که در این خصوص فعالیت می‌کنند. به طور مشخص ما دو نفر را داریم که در سال گذشته به همین دلیل احکام سنگین دریافت کردند. نرگس محمدی و آتنا دائمی به خاطر فعالیت بر علیه اعدام حبس‌های طولانی گرفته اند و به



محمد اولیایی فرد

ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی مقرر کرده که مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص است و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌شود. مطابق این ماده در مواردی با ارتکاب قتل عمد هر چند که قصاص با شرایط مقرر در قانون اثبات شده است، ولی اعمال کیفری قصاص در مورد جانی منتفی می‌شود.

پیش از انقلاب اسلامی قتل عمد در قانون مجازات سال ۱۳۰۴ جنبه عمومی داشت به این معنی که جرم قتل عمد در زمره جرائم قابل گذشت نبود و حتی با گذشت ولی دم، مجازات اعدام را در پی داشت. البته گذشت شاکی خصوصی، راه را برای دادگاه باز می‌کرد که مجازات اعدام را با رعایت کیفیات مخفیه مستند به قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ به تحبیس دائم یا حبس جنائی درجه یک تخفیف دهد.

پس از انقلاب اسلامی، اما با تصویب قانون حدود و قصاص در سال ۱۳۶۱ قانونگذار بدون اینکه جرائم قابل گذشت و غیر قابل گذشت را احصاء کند، در ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ مقرر داشت «در حقوق الناس تعقیب و مجازات مجرم متوقف بر مُطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی اوست.» با تطبیق این ماده با بزه قتل عمد و نیز با توجه به ماده یک قانون حدود و قصاص و مقررات آن که بیان می‌داشت «قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیای دم می‌توانند با اذن ولی امر مسلمین یا نماینده او قاتل را با رعایت شرایطی که خواهد آمد به قصاص برسانند.» در ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ مقرر داشت که «در حقوق الناس تعقیب و مجازات مجرم متوقف بر مُطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی اوست.» با تطبیق این ماده با بزه قتل عمد و نیز با توجه به ماده یک قانون حدود و قصاص و مقررات آن که بیان می‌داشت «قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیای دم می‌توانند با اذن ولی امر مسلمین یا نماینده او قاتل را با رعایت شرایطی که خواهد آمد به قصاص برسانند.» و نیز با استناد به سوره بنی اسرائیل آیه ۳۳ «و من قیل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطاناً» با این تعبیر که سلطانا در امر قتل عمد، با ولی دم است و اوست که می‌تواند در مورد قاتل، او را ببخشد یا به قصاص برساند.

اما دست اندرکاران امور قضایی خصوصاً قضات بر این عقیده بودند که قتل عمد، دارای جنبه خصوصی است. با این تفسیر عملاً قتل عمد در سیستم قضایی ایران تنها یک بزه خصوصی شناخته شد و با گذشت اولیای دم مقتول، قاتل بلافاصله آزاد می‌شد و پرونده مختومه اعلام می‌شد. این درحالی بود که قتل غیر عمد بر اثر تصادف رانندگی موضوع ماده ۱۴۹ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ جنبه عمومی داشت اما قتل عمد بدون جنبه عمومی تنها دارای جنبه خصوصی بود. به همین دلیل با برداشت و تفسیر قضایی قابل گذشت بودن این بزه، به ناگزیر، آمار قتل‌های عمدی با سبق تصمیم بالا رفت. زیرا مجرمان به امید اینکه رضایت اولیاء دم را، به هر طریق ولو از راه تهدید و تطمیع، فراهم خواهند کرد، مرتکب قتل

عمد می‌شدند.

تا اینکه این نقیصه قانونی قانونگذار را برآن داشت تا در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ چاره اندیشی کرده و به وضع ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی بپردازد. به موجب این ماده، «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته باشد، یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده، یا بیم تجرّی مرتکب یا دیگران شود. موجب حبس تعزیری از سه تا ده سال خواهد بود.» در واقع طبق این ماده در مواردی که قتل عمد شاکی نداشته یا در صورت گذشت اولیای دم مقتول، به منظور حفظ نظم عمومی و جلوگیری از جریحه‌دار شدن حیثیت جامعه، برای قاتل مجازات تعزیری در نظر گرفته شد.

اما این ماده از آنجا که برای مجازات قاتل به لحاظ جنبه عمومی جرم قتل، محدود به نداشتن شاکی یا گذشت اولیای دم مقتول بود کافی به نظر نرسید تا اینکه قانون‌گذار در سال ۱۳۷۵ در تکمیل ماده یاد شده، ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی را به تصویب رسانید. در این ماده برای کسانی که به هر علتی قصاص نشوند، نیز مجازات در نظر گرفته شد. با این وجود قانونگذار اجرای این مجازات را مشروط بر این کرد که اقدام مرتکب باعث اخلال در نظم یا بیم تجری شده باشد در حالی که ارتکاب قتل عمد فی‌نفسه موجب اخلال در نظم می‌شود.

در ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته باشد یا شاکی داشته؛

مطالبه فراتر از دیه قانونی، تجارت با جان مجرم



شرایط برای نجات از قصاص تنها ناگزیر به جلب رضایت ولی دم است. بنابراین هر چند دریافت مبالغ هنگفت بعنوان دیه جواز قانونی داشته و منع شرعی نیز ندارد اما اخلاقی به نظر نمی‌رسد زیرا ممکن است موجب عسر و حرج جانی یا خانواده وی شود.

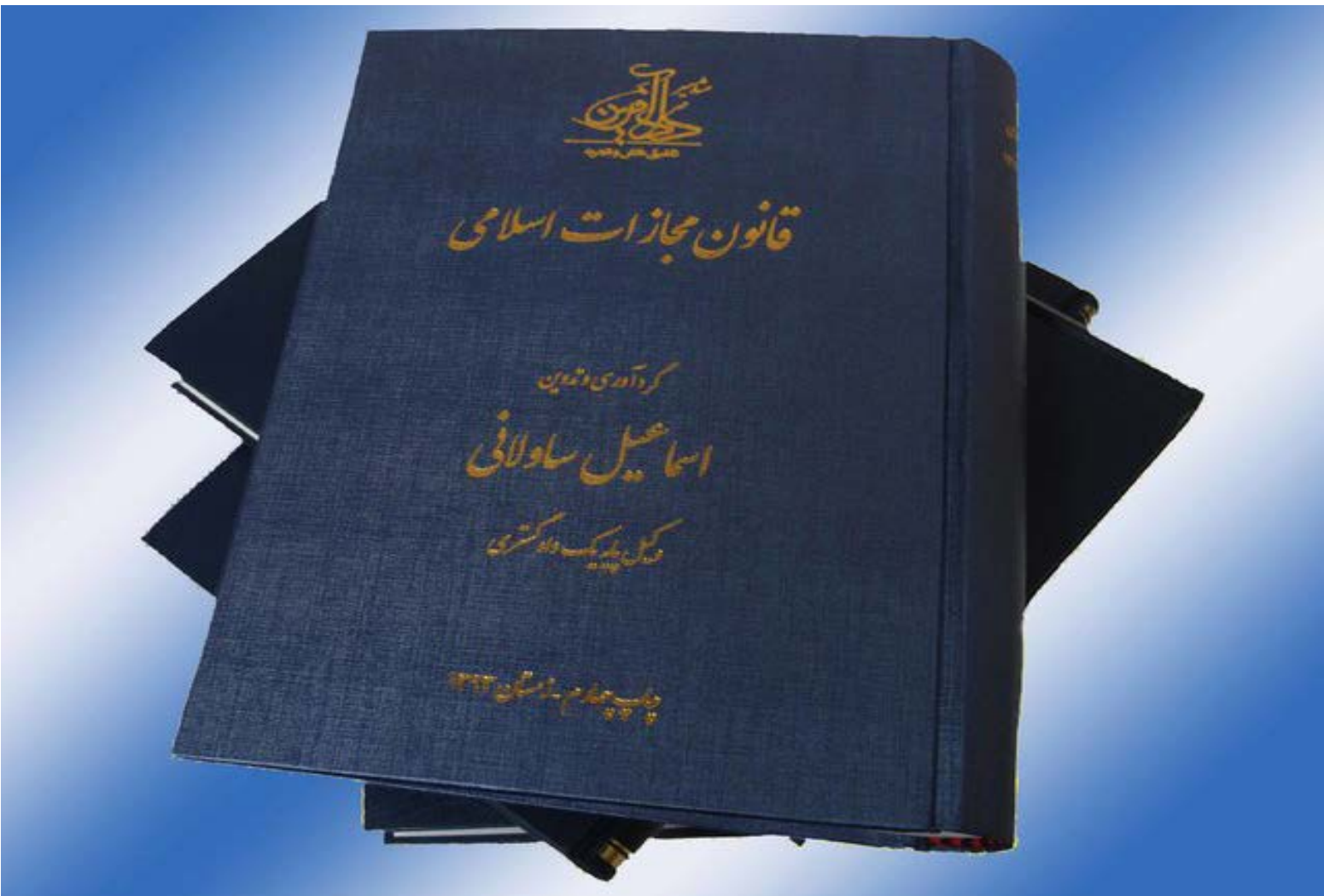
سوم: امکان قصاص جانی وجود نداشته باشد

بر اساس ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی هرکس مرتکب قتل عمد شود، چنانچه به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود، دادگاه مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌نماید.»

ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌کند: «مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص و در غیر این صورت مطابق مواد دیگر قانون از حیث دیه و تعزیر عمل می‌گردد». در ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی نیز آمده: «در جنایت شبه عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنئی علیه یا ولی دم دیه پرداخت می‌شود مگر به نحو دیگری مصالحه شود.»

بنابراین مطابق این مواد قانونی در جایی که امکان قصاص جانی وجود نداشته باشد از حیث دیه و تعزیر عمل می‌شود. از جمله مواردی که امکان قصاص جانی وجود ندارد، عبارتند از قتل فرزند از سوی پدر یا جد پدری، قتل دیوانه توسط عاقل. همچنین هرگاه مسلمانی کافری را بکشد قصاص نمی‌شود. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌کند: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنئی علیه نباشد و مجنئی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.»

مطابق ماده ۳۰۶ همین قانون جنایت عمدی بر جنین، هر چند پس از حلول روح باشد، موجب قصاص نیست و قتل توسط دیوانه یا نابالغ یا قتل در حال خواب و بیهوشی طبق ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی خطای محض محسوب می‌شود و قصاص ندارد. قتل توسط فرد مست مسلوب‌الاختیار برابر با ماده ۳۰۷ و نیز در صورتی که مجنئی علیه دارای یکی از حالات موضوع ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی باشد قصاص نخواهد داشت. همچنین مطابق ماده ۴۳۳ همین قانون چنانچه مجنی‌علیه پیش از مرگ، جانی را از قصاص نفس عفو کرده باشد جانی قصاص نمی‌شود. با این حال عده ای معتقدند اینگونه موارد نمی‌توانند از موارد سقوط قصاص باشند؛ زیرا مراد از موارد سقوط قصاص در بحث قتل عمدی مواردی است که به رغم ثبوت قصاص بر جانی بنا به دلایلی قصاص از او ساقط می‌شود، ولی در موارد مورد اشاره اصولاً شرایط ثبوت قصاص منتفی است، چه برسد به سقوط قصاص؛ زیرا باید امری در عالم ثبوت امکان تحقق آن وجود داشته باشد تا بحث از سقوط آن بتوان کرد.



مال باشد. تفاوت عفو با صلح در این است که عفو، سقوط حق قصاص است بدون عوض، و صلح اسقاط حق قصاص است در ازای دریافت دیه، و برخلاف صلح که رضایت جانی شرط است در عفو رضایت قاتل بر عفو شرط نیست.

بنابراین ولی دم نمی‌تواند بدون رضایت جانی مطالبه دیه کند و زمانی که بر دیه تراضی شد، قصاص ساقط می‌شود و دیه ثابت می‌شود. البته این حکم در مواردی است که قصاص اصولاً امکان داشته باشد در این صورت اولیای دم مقتول که دیه را اختیار و انتخاب می‌کند، استحقاق آن را نخواهد یافت جز با رضایت جانی، و بر جانی واجب نیست آن را بپذیرد. ماده ۳۵۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص بیان می‌دارد: «در موارد ثبوت حق قصاص، اگر قصاص مشروط به رد فاضل دیه نباشد، مجنئی علیه یا ولی دم، تنها می‌تواند قصاص یا گذشت نماید و اگر خواهان دیه باشد، نیاز به مصالحه با مرتکب و رضایت او دارد.» ولی در جایی که قصاص امکان نداشته باشد پرداخت دیه بر جانی واجب است.

در ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی آمده: «در جنایت شبه عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنئی علیه یا ولی دم دیه پرداخت می‌شود مگر به نحو دیگری مصالحه شود.»

ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود، دادگاه مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌نماید.» بنابراین مطابق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی هرکس مرتکب قتل عمد شود چنانچه نخست، شاکی نداشته باشد و در صورت داشتن شاکی خصوصی از مجازات قصاص اعلام گذشت کرده باشد و سوما، امکان قصاص قاتل وجود نداشته باشد، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود دادگاه مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌کند.

اول: قتل عمد شاکی نداشته باشد

مطابق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته باشد از لحاظ جنبه عمومی جرم محکوم به مجازات حبس تعزیری و از لحاظ جنبه خصوصی قصاص نمی‌گردد. اما منظور از نداشتن شاکی خصوصی چیست؟ ممکن است مجنی‌علیه، ولی یا سرپرست قانونی نداشته و یا شناخته نشود یا دسترسی به او مقدور نباشد، آیا این موارد از مصادیقی است که جانی، شاکی ندارد؟ در این خصوص در ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «اگر مقتول یا مجنئی علیه یا ولی دمی که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد و یا ولی او شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد، ولی او، مقام رهبری است و رئیس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان، اختیار آن را به دادستان‌های مربوط تفویض می‌کند.»

پس چنانچه مقتول یا مجنئی علیه یا ولی دمی که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد یا داشته اما شناخته نشود یا دسترسی به او امکان‌پذیر نباشد، این موارد را نمی‌توان از مصادیق نداشتن شاکی خصوصی تلقی کرد زیرا دادستان‌های مربوطه، با تفویض اختیار از سوی رئیس قوه قضائیه، قائم‌مقام شاکی تلقی می‌شوند. در نتیجه، منظور از نداشتن شاکی خصوصی در ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی جایی است که شاکی مشخص است و دسترسی به او فراهم است و یا سرپرست قانونی یا ولی وجود دارد؛ اما حاضر به طرح شکایت از قاتل نیستند.

دوم: اولیای دم مقتول گذشت کرده باشند

مطابق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی هرکس مرتکب قتل عمد شود اما اولیای دم به هر دلیل از قصاص اعلام گذشت کرده باشند، قصاص ساقط می‌شود و از لحاظ جنبه عمومی جرم در صورتی که اقدام او موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران شود، دادگاه مرتکب را به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌کند. گذشت از قصاص از سوی اولیای دم می‌تواند یا به صورت عفو مرتکب بدون عوض و بطور مجانی باشد یا با مصالحه، در برابر حق یا

ماهک نیک نهاد

همهمه جماعت و عده آدم‌ها هر لحظه بیشتر می‌شود. آن جلوترها اتفاقی در جریان است و آن‌ها که در ازدحام و شلوغی عقب مانده‌اند، برای آن‌که از ماجرا تعقیب کنند از سر و کول هم بالا می‌روند.

دختری شش-هفت ساله هم در کنار پدرش که به تماشا ایستاده، بالا و پایین می‌پرد و از پدر می‌پرسد که چه خبر است. او هم می‌خواهد آن‌چه را دیگران با هیجان نظاره می‌کنند، ببیند. پدر، خسته و کلافه از اصرار دخترک، دست آخر او را از جا بلند می‌کند و روی شانه‌هایش می‌گذارد تا حلق‌آویز شدن یک انسان را تماشا کند. پاهایی که تکان تکان می‌خورند و تنی که در حضور دیگران جان می‌دهد.

آیا این نمایش فایده‌ای برای تماشاگرانش دارد؟

xxx

جمهوری اسلامی در تمام سال‌های پس از پیروزی انقلاب سال ۵۷ در ایران تلاش کرده است تا با مجازات‌هایی سنگین و غیرانسانی همچون شلاق زدن، قطع اعضای بدن و اجرای حکم اعدام بر اساس قانون مجازات اسلامی، به تعبیر خود آمار جرم و جنایت را کاهش دهد.

این نوع مجازات‌ها گاه در فضای عمومی و در مقابل دیدگان رهگذران اجرا می‌شوند تا (باز به تعبیر جمهوری اسلامی) ترس از جزا و مرگ، باعث عبرت گرفتن جامعه بشود و بدکاران از راهی که انتخاب کرده‌اند بازگردند، اما نقض حقوق بشر و حق انتخاب مردم و این‌که چه گروه‌های سنی‌ای شاهد این مراسم خواهند بود، مورد توجه نبوده و نیست.

در طول سال‌های گذشته (دست‌کم در ۱۰ سال اخیر)، فعالان حقوق بشر نسبت به اجرای حکم اعدام در ایران و به‌خصوص اجرای آن در ملاء عام - اجرای حکم اعدام در ملاء عام از جمله موارد نقض حقوق بشر در ایران است که فعالان حقوق بشر تأکید دارند در جریان آن هم حرمت انسانی فرد محکوم و هم شأن انسانی تماشاگران نقض می‌شود- اعتراض‌های گسترده‌ای کرده‌اند اما سیاست‌های جمهوری اسلامی در این مورد تغییری نکرده است.

سازمان ملل متحد هم در آخرین قطعنامه مربوط به نقض حقوق بشر در ایران به این موضوع پرداخته و از جمهوری اسلامی خواسته است تا اعدام در ملاء عام را متوقف کند. (این قطعنامه ۱۵ نوامبر/ ۲۵ آبان ۹۵، در کمیته سوم

اعدام در ملاء عام، نقض حقوق محکوم و تماشاگر



مجمع عمومی به رأی گذاشته شده و به تأیید رسیده بود و مجمع عمومی هم آن را تصویب کرد.)

اعدام در ملاء عام ادامه دارد

با وجود انتقادهای جدی افراد، سازمان‌ها و نهادهای فعال حقوق بشر مخالف اعدام، قوه قضاییه جمهوری اسلامی همچنان چوبه‌های دار را در خیابان‌ها، میدان‌ها و دیگر مکان‌های عمومی برپا می‌کند و صادق آملی لاریجانی، رییس قوه قضاییه هم بر اجرای احکام اعدام در ملاء عام اصرار دارد.

جامعه‌شناسان، حقوقدانان و حتی قضات زیادی از معایب و زیان‌های اعدام در ملاء عام گفته‌اند و می‌گویند، اما گوش مسئولان ارشد قضایی بدهکار نیست و اعدام در ملاء عام همچنان اجرا می‌شود.

بر اساس خبرهای منتشر شده از نقاط مختلف ایران، تنها در طول ماه ژانویه سال ۲۰۱۷ حکم اعدام در ملاء عام

در محل حاضر نشوند و به این ترتیب به اجرای حکم اعدام در ملاء عام اعتراض کنند؛ خواسته‌ای که تا به حال چندان محقق نشده است.

از سوی دیگر حضور و استقبال گروهی از مردم از اعدام در ملاء عام می‌تواند نشان‌دهنده پذیرفته بودن صدور و اجرای این حکم در ایران (دست‌کم در میان بخشی از افکار عمومی) باشد و تلاش‌های فعالان مخالف اعدام برای گسترش فرهنگ نه گفتن به اعدام هنوز در میان عموم مردم فراگیر نشده است.

تبلیغ اعدام به عنوان یک حکم شرعی از سوی جمهوری اسلامی که مخالفت با آن ایستادن در برابر حکم خدا تلقی می‌شود، برخورد شدید نظام با فعالان مخالف اعدام و در اختیار نبودن ابرازهای گسترده برای تبلیغ علیه اعدام و به‌خصوص اعدام در ملاء عام از جمله دلایل فراگیر نشدن مخالفت با اعدام در ملاء عام در میان عموم مردم است.

از این رو نه تنها اقدامی عملی برای مبارزه با خشونت و به تصویر کشیدن آن از سوی حکومت صورت نمی‌گیرد، بلکه رفتارهای خشن به شکلی خودآگاه و ناخودآگاه ترویج می‌شوند.

اعدام، آن هم در ملاء عام، در کنار دیگر مجازات‌هایی که در مقابل دیدگان عموم مردم اجرا می‌شوند، نمونه‌هایی از ترویج خشونت هستند که ممکن است تأثیرات جبران‌ناپذیری بر فرد و جامعه بگذارند.

مراسم حلق‌آویز کردن همچنان با پافشاری مقامات قضایی پا بر جاست تا امکان ارائه این تحلیل وجود داشته باشد که نقض حقوق بشر از طریق بازتولید خشونت در جامعه تلاشی‌ست از سوی حاکمیت برای حفظ و کنترل منافع خود.

کودکان در تماشای اعدام کجا ایستاده‌اند؟

از آنجا که اجرای مراسم بر دار کردن فرد محکوم در مکان‌های عمومی ممکن است در حضور کودکان و نوجوانان صورت بگیرد، فعالان حقوق کودک هم به عملکرد قوه قضاییه در این زمینه انتقاد جدی دارند و چنین اقدام و اتفاقی را نقض آشکار حقوق کودک می‌دانند.

مسئولان قوه قضاییه جمهوری اسلامی اما در پاسخ به این انتقادهای همواره تأکید کرده‌اند که این حکم به ندرت، در موارد خاص و در ساعت‌هایی انجام می‌شود که کودکان بیرون از خانه نیستند و همچنین تمهیدات لازم برای حضور نیافتن آن‌ها در محل اعدام اندیشیده می‌شود.

شش نفر در شهرهای مختلف ایران به اجرا گذاشته است و این روند در ماه‌های بعد نیز ادامه داشته است.

در آخرین نمونه از اعدام‌های در ملاء عام (تا زمان نگارش این گزارش)، ساعت هفت صبح روز پنج‌شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۶ / آوریل ۲۰۱۷ یک محکوم به مرگ به جرم کشتار شش نفر در اراک، در ملاء عام از جرثقیل آویزان شد.

گروهی از مردم برای تماشای اجرای این حکم از صبح زود در محل حاضر شده بودند و باز هم کودکان و نوجوانان در صحنه اعدام حضور داشتند. تماشاگران هنگام اعدام فرد محکوم غریو شادی سر دادند و هلهله کشیدند.

مردم خوشحالی که حقوق‌شان نقض می‌شود

حضور مردم در اجرای مراسم اعدام در ملاء عام در حالی‌ست که فعالان حقوق بشر مخالف اعدام معمولاً در مواردی که فراخوان اعدام در ملاء عام یک فرد محکوم به اعدام منتشر می‌شود، از مردم می‌خواهند برای تماشا

به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد، به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌شود.»

افساد فی‌الارض که در لغت به معنای «ایجاد خرابی و تباهی در زمین» است، تا پیش از تغییرات صورت گرفته در قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲، هم‌ردیف محاربه قلمداد می شد اما در تغییراتی که رخ داد، به عنوان جرمی مستقل تعریف شد.

مفسد فی‌الارض اما همچنان و به طور معمول همراه «محارب» می‌آید که برای آن هم مجازات اعدام تعیین شده است. مواد ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱ و ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی به تعریف محارب اختصاص یافته است و در قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، قانون اخلاص گران اقتصادی، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، قانون مجازات عبوردهندگان از مرزها، قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس، قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان، قانون مجازات فعالیت‌کنندگان در امور سمعی بصری و قانون مبارزه با قاچاق انسان از مجرم با عنوان مفسد فی‌الارض یاد شده است.

استفاده گسترده از عبارت مفسد فی‌الارض در قوانین جزایی عملاً باعث می‌شود هر مجرمی مفسد فی‌الارض تعریف شود و تفاوتی میان جرایم خرد و کلان باقی نماند. موارد مبهمی هم در تعریف مفسد فی‌الارض وجود دارد که از آن جمله می‌توان به کارکرد صفت «گسترده» در ماده ۲۸۶ اشاره کرد که به گفته برخی از وکیلان دادگستری بدون ارائه هیچ گونه ضابطه مشخصی در مورد جرایم ذکر شده به کار رفته است. بر همین اساس و در حالی که به عنوان نمونه فعالان مدنی در تلاشند جمهوری اسلامی را وادارند تا مجازات اعدام دست‌کم برای جرایم مواد مخدر لغو شود و طرح این موضوع در مجلس ایران هم به جریان افتاده است، امام جمعه اصفهان نه تنها قاچاقچیان مواد مخدر را مفسدان فی‌الارضی می‌داند که باید اعدام شوند که معتقد است معتادانی هم که امکان بازگشت آن‌ها از مواد مخدر وجود ندارد باید مجازات {اعدام} شوند تا

جامعه نسبت به گسترش مواد مخدر ایمن شود.

به این ترتیب یوسف طباطبایی‌نژاد معتاد بودن را هم زیرمجموعه فساد فی‌الارض قرار می‌دهد.

او ۱۶ مهر ۹۵ گفته است که قاچاقچیان مواد مخدر طبق



قوانین جمهوری اسلامی که منطبق با شرع اسلام است مفسد فی‌الارض محسوب می‌شوند: «از این رو بر اساس این قوانین می‌توان آن‌ها را اعدام کرد البته قطعی بودن این حکم بنا بر نظر حاکم شرع است.»

امام جمعه اصفهان: «بنده معتقدم علاوه بر این که باید قاچاقچیان مواد مخدر مورد مجازات قرار گیرند معتادانی که امکان بازگشت آن‌ها از مواد مخدر وجود ندارد نیز باید مجازات شوند تا جامعه نسبت به گسترش مواد مخدر ایمن شود.»

فساد فی‌الارض، ابزار سرکوب مخالفان

استفاده گسترده از واژه فساد فی‌الارض در قوانین حقوقی و جزایی ایران اما این فرصت را نیز فراهم کرده است که مخالفان عقیدتی (ایدئولوژیک) یا حتی سیاسی نظام هم در

سال ۸۸، ۱۱ دی ماه همین سال در خطبه‌های نماز جمعه معترضان را «مفسد فی‌الارض» خواند: «آن‌ها که روز عاشورا به خیابان آمده‌اند مصادیق بارز مفسد فی‌الارض هستند و در اوایل انقلاب امثال آن‌ها مجازات شدند.»

فساد فی‌الارض و آزادی بیان

فساد فی‌الارض اما برای محدود کردن حق آزادی عقیده و بیان افراد نیز کاربرد دارد و بر همین اساس ابراز نظر مخالف یا آن‌چه که توهین به مقدسات (اسلام، پیامبر اسلام و ...) خوانده می‌شود نیز باعث می‌شود که دادگاه‌ها فرد متهم را به فساد فی‌الارض متهم و محکوم کنند.

در یکی از تازه‌ترین این نمونه‌ها مرجان داوری، مترجم و عضو فرقه ماوراءالطبیعه «اکنکار» به اعدام محکوم شده است. همچنین سینا دهقان را به جرم سب النبی به اعدام محکوم کرده‌اند. پیش از این موارد، محمدعلی طاهری که به عنوان بنیانگذار عرفان حلقه شناخته می‌شود به اتهام فساد فی‌الارض به اعدام محکوم شده بود که در حکم او تجدید نظر شد.

صدور حکم اعدام برای کسانی که به دلیل ابراز عقیده به عنوان مفسد فی‌الارض محاکمه می‌شوند و در دادگاهی که معمولاً روند دادرسی عادلانه در آن نقض می‌شود مجرم تشخیص داده می‌شوند، خلاف تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی است.

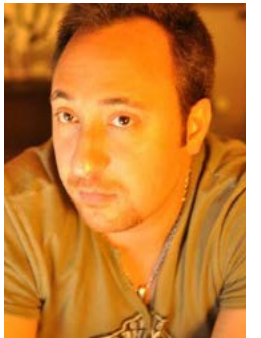
بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجازات اعدام تنها برای جرایمی ممکن است که به قتل عامدانه یک انسان منجر شده باشند و به طبع مسائل عقیدتی در گروه این قبیل جرایم قرار نمی‌گیرند.

رها بحرینی، پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل هم در این باره معتقد است که تعیین مجازات اعدام به جرم فساد فی‌الارض در قوانین ایران نه تنها نقض فاحش حق حیات است که تعهدات بین‌المللی ایران را هم نقض می‌کند: «کمیتة حقوق بشر سازمان ملل در مورد حق آزادی بیان گفته است که محدود کردن امکان بیان عقاید مخالف با مذهب به قانون کفرگویی (برای مثال)، در تناقض با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. در این میثاق شرایط مشخصی وجود دارد که تنها بر طبق آن‌ها می‌توان حق آزادی بیان را محدود کرد و این محدودیت‌ها در صورتی جایز است که برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی و سلامت و اخلاق عمومی باشد و به طور مشخص در قانون آمده باشد.»

معرض خطر مفسد فی‌الارض بودن و اعدام شدن قرار بگیرند. صالح نظری در مقاله «مفسد فی‌الارض و محارب با خدا و رسول در قرآن» که در «زمانه» منتشر شده، نوشته است که دو عنوان «مفسد فی‌الارض و محارب با خدا و رسول» ابزار رفتار خشونت‌آمیز حکومت دینی با مخالفان خود هستند: «به نام این دو عنوان بسیاری از مردم سرزمین‌مان کشته شده یا به جوخه اعدام سپرده شده‌اند و متولیان حکومت‌گر دینی دلیل شرعی خود را به قرآن نسبت داده و می‌دهند.»

در همین زمینه و به عنوان نمونه، احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان در اوج اعتراض‌ها به نتایج انتخابات ریاست جمهوری

قصاص نفس؛ حکمی که همچنان اعدامی می گیرد



معین خزانلی

بر اساس آخرین آمارهای سازمان حقوق بشر ایران تنها در دو ماه نخست سال ۲۰۱۷ دستکم ۱۴۰ نفر در ایران اعدام شده اند. بر همین مبنا جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۶ حداقل ۵۳۰ نفر را اعدام کرده که در این میان ۱۴۱ نفر از این اعدام شدگان در سال گذشته میلادی متهم به قتل عمد بوده و حکم صادره برای آن ها قصاص نفس بوده است. اگرچه با توجه به این آمار تنها ۲۶ درصد از اعدام شدگان محکوم به قصاص نفس در نتیجه قتل عمد بوده اند، اما قصاص نفس همچنان یکی از دلایل مجازات اعدام در ایران است.

قصاص نفس؛ موافقان چه می گویند؟

ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی در ایران مجازات قتل نفس عمد را قصاص نفس قاتل دانسته و صاحب این حق را اولیای دم مقتول معرفی می کند. مبنای فقهی ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی اما بنا به گفته فقها و حقوقدانان اسلامی آیات ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره است. بر این اساس آیه ۱۷۸ حکم قصاص را الزامی دانسته و آن را حکمی نوشته شده برای مومنان در جهت قصاص عاملان کشتگانشان می داند. آیه ۱۷۹ این سوره نیز حکم قصاص را مایه حیات و زندگی در جامعه دانسته است.

بر این اساس حقوقدانان اسلامی معتقدند حکم قصاص نفس نه تنها نباید در زمره احکام اعدام انگاشته شود بلکه جنبه حیات بخش آن ، این حکم را تبدیل به دستوری الزام آور، عادلانه، هدایتگر و حافظ نظم و

حیات در جامعه می کند.

بر اساس تعالیم فقه شیعه، قرآن قتل نفس را اولین جرم واقع شده در زمین دانسته و آن را نشانگر خوی تجاوزگری، بدذاتی و سرکشی انسان می داند و آیه ۳۲ سوره مائده در همین زمینه حکم کشتن یک فرد را مساوی با کشتن همه افراد قلمداد کرده و از آنجا که روی سخن آیه با قوم بنی اسرائیل است، مفسران شیعه بر اساس همین آیه حکم قصاص نفس را حکم همیشگی خداوند دانسته که از زمان دین یهود پابرجا بوده است.

این مفسران همچنین فلسفه نزول آیه ۱۷۹ سوره بقره که قصاص نفس را مایه حیات و زندگی معرفی می کند رویه معمول اعراب پیش از اسلام می دانند. بر این مبنا از آنجا که اعراب قبل از اسلام عادت داشتند که اگر کسی از قبیله آن ها توسط فردی از قبیله دیگری کشته می شد، به عنوان مجازات تا آنجا که توان داشتند افراد متعلق به قبیله قاتل را می کشتند، چنانچه به دلیل کشته شدن یک فرد تمام اعضای قبیله قاتل به طور کل مجازات می شدند. در نتیجه بنا بر ادعای مفسران، اسلام حکم قصاص نفس قاتل را به عنوان جایگزینی انسانی به جای انتقامی کورکورانه فرستاد که از طریق آن رفتاری غیر حقوقی را تبدیل به عملی قانونی و حقوقی کرده و اجرای آنرا منوط به حکم دادگاه کند. از این رو بنا به گفته های مفسران فقه شیعه حکم قصاص نفس در زمان ابلاغ قانونی بسیار پیشرو و انسانی بوده و همچنان نیز قابلیت اجرا دارد. استدلالی که البته با توجه به تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی در دنیای امروز دیگر چندان عاقلانه به نظر نمی رسد.

موافقان و طرفداران حکم قصاص نفس همچنین این حکم را عاملی بازدارنده در جهت کاهش رفتار مجرمانه در جامعه دانسته و دستورات دین را برای تقلیل جرم در جامعه ضروری می دانند. به گفته اینان فلسفه قصاص در اسلام پاسداری از کل حیات انسانی و بر پایی عدالت، امنیت اجتماعی، التیام روحی و روانی اولیای دم و در یک کلام اجرای فرمان الهی



است که قاتلان بالقوه را از ارتکاب قتل باز می دارد.

مرتضی مطهری در کتاب مجموعه آثار خود در همین زمینه می گوید: «اگر جلو قاتل را نگیرید، فردا او یک نفر دیگر را خواهد کشت و فردا ده ها نفر دیگر پیدا می شوند و دهها نفر دیگر را خواهند کشت، پس قصاص را کم شدن افراد جامعه تلقی نکنید، حفظ بقای آن تلقی کنید.»

از سویی دیگر مدافعان حکم قصاص نفس با استناد به الزامی و اجباری بودن وجوب حکم نه اجرای آن، این حکم را حق الناسی می دانند که صاحبان آن (اولیای دم) می توانند از اجرای آن جلوگیری کرده و جانی را عفو کنند که در آن صورت اجرای آن منتفی می گردد. استناد قرآنی این استدلال هم به گفته ایشان آیه ۴۵ سوره مائده است که در آن ضمن تشویق به عفو از آن به عنوان کفاره گناهان شخص بخشنده یاد شده و وعده داده شده است که گناهان او توسط خداوند بخشیده خواهد شد.

بر همین اساس ماده ۳۴۷ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می دارد که ولی دم که همان صاحب حق قصاص نیز است در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی و یا اجرای حکم می تواند به طور مجانی یا با مصالحه در برابر حق یا مال گذشت کند. از این رو آنطور که از استدلالات فقهی و حقوقی حقوقدانان اسلامی بر میآید، حکم قصاص نفس حکمی لازم الاجرا، بلا نقص و الزامی است که از اصول اصلی حقوق کیفری اسلام به شمار می آید.

مخالفان چه می گویند؟

مخالفان اعدام به طور کلی و مخالفان حکم قصاص نفس به طور اخص اما در مقابل، این حکم را در عمل چیزی به جز تکرار خشونت آمیز عمل قتل ندانسته و نقش اصلاح گرایانه و بازدارنده او را به شدت نفی می کنند. واکنشی که نه تنها بر پایه انتقام شخصی بنا شده بلکه در عمل تکراری خشونت آمیز از سیری واحد از کشتار انسانی است.

محمد شحرور نواندیش اسلامی سوری و نویسنده کتاب «الکتاب والقرآن» معتقد است که وجوب احکام قرآنی بر پایه صرف اجرایی شدن آن ها نبوده و شماری از آیات قرآن بیانگر حد اعلی و ادنی احکام هستند. بدین معنی که به عنوان مثال قرآن حد اعلی و حداکثر مجازات قتل عمد را قصاص نفس

می داند نه تنها مجازات ممکن آن و در نتیجه این حکم بسته به زمان و مکان و با تشخیص اهل اجتهاد می تواند تغییر کرده و تعدیل شود.

گروهی دیگر از مخالفان حکم قصاص نفس، با استناد به همان دلیلی که موافقان از طریق آن این حکم را عاملی بازدارنده می دانند، آن را وسیله مجازات می دانند نه هدف آن. بدین معنی که هدف از اجرای مجازات جنبه ی ترمیمی آن است نه تنبیهی و اعمال قانون و مجازات الزاما به معنی محرومیت متخلف از نفس خود و اعدام او نیست بلکه هدف جلوگیری از تکرار جرم توسط وی، آرامش جامعه و در نهایت احیا و بازسازی اوست. هدفی که با جایگزین کردن حبس به جای قصاص نفس به راحتی محقق می گردد.

ناسازگاری قصاص با دانش امروز روانشناسی، جامعه شناسی و جرم شناسی نیز انتقادی دیگر از سوی مخالفان حکم قصاص است. تحقیقات جرم شناسان نشان می دهد که در جوامع امروزی عملا مجازات ها نقش بسیار کمی در بازدارندگی افراد از جرم دارند. به عقیده ایشان، جرم معضلی اجتماعی بوده که در عمل به صورت فردی در ارتکاب فعل مجرمانه بروز پیدا می کند. بر همین اساس تحقیقی که در سال ۱۳۹۷، ۱۳ سال پس از ملغی شدن مجازات اعدام برای قتل عمد در انگلستان توسط موج نو جرم شناسان مدرسه اقتصادی دانشگاه کمبریج و آکسفورد انجام شد نشان می دهد که لغو مجازات اعدام در عمل برخلاف تمام انتقادهای موجب افزایش قتل نشده بود.

قصاص نفس؛ رویه ای که پایان ندارد

حکم قصاص نفس اگرچه حکمی اسلامی بوده و بر اساس تعلیمات فقهی هر دو مذهب اصلی اسلام، تشیع و تسنن واجب الاجرا است اما رویه قضایی کشورهای اسلامی در این زمینه به هیچ وجه از روندی واحد پیروی نمی کند که خود نشان دهنده تغییر فضای اسلام و اندیشمندان و حقوقدانان اسلامی نسبت به این حکم است.

در حال حاضر از میان کشورهای اسلامی عضو سازمان همکاری اسلامی ده کشور ساحل عاج، گابن، گینه بی سائو، گینه، موزامبیک، سنگال، آذربایجان، قرقیزستان، ازبکستان، و ترکمنستان اعدام را از قوانین خود حذف کرده اند. در این میان کشورهای الجزایر، کومور، گامبیا، غنا، مراکش و نیجر نیز اگرچه این قانون را از مجموعه قوانین خود حذف نکرده اند اما عملا آن را اجرا نمی کنند.

در ایران رویه قضایی ثابت در این زمینه نیز تا کنون نشان از

عمد محاکمه شده اند توسط اولیای دم مقتول مورد عفو قرار گرفته و از اعدام رهایی یافته اند.

همایون حسینی وکیل دادگستری و حقوقدان در این باره می گوید: در حال حاضر حکم قصاص نفس برای قتل عمد عملا هیچ اثری ندارد به این دلیل که نه تنبیهی است نه ارعابی. تنبیهی نیست چرا که مجرم پس از اجرای مجازات دیگر وجود ندارد تا متنبه شود، ارعابی نیز نیست چرا که آنطور که باید و



شاید نقشی در بازدارندگی قتل عمد نداشته است. این وکیل دادگستری همچنین معتقد است که می توان بر اساس آموزه هایی از قرآن مانند آیه ۱۰۶ سوره بقره که در آن عنوان شده هیچ حکمی از قرآن منسوخ نمی شود مگر با حکمی بهتر، مراجع و فقها را با مجازات های جایگزین اعدام که نقشی بهتر در پیشگیری از جرم دارند آشنا کرده و در نتیجه آن ها را راضی به تغییر این قانون کرد: همانطور که در مورد قصاص عضو، ما شاهد هستیم که حکم قصاص عضو عملا دیگر توسط دادگاه ها به اجرا در نمی آید چرا که نمی توان دقیقا و عینا همان عضو مجرم را به همان صورت و به همان اندازه قصاص کرد.

وی در مورد امکان لغو این مجازات در ایران نیز می گوید:به نظر من منسوخ کردن و یا تغییر این حکم کمکی به شرایط فعلی در ایران نمی کند چرا که جامعه آمادگی آن را ندارد. از یک طرف فرد جانی وجود دارد که ممکن است به دلیل اشتباهی کوچک تحت فشار عوامل محیطی دست به ارتکاب قتل زده باشد و از طرف دیگر خانواده فرد مقتول وجود دارد که تنها فکر و ذکرشان اعدام قاتل است.

به عقیده این وکیل دادگستری اما بهترین راه حل در حال حاضر که می تواند مقدمه ای برای لغو کلی این قانون باشد محدود کردن هر چه بیشتر دایره تعریف و شمول قتل عمد است: آنچه روشن است این است که به نظر نمی رسد مراجع، فقها و دستگاه قضایی ایران به این زودی رضایت به لغو حکم قصاص نفس دهند، در نتیجه بهترین راه حل محدود کردن شمول تعریف قتل عمد است.

حسینی همچنین در خصوص گرفتن امتیاز اجرای قصاص نفس از اولیای دم و اعطای آن به دادگاه ها نیز معتقد است که این کار نهایتا و در عمل منجر به کار چاق کنی و فساد بیشتر در دستگاه قضایی ایران خواهد شد: این کار در عمل در سیستمی مانند دستگاه قضایی ایران که خود مرکز فساد و کارچاق کنی است نه تنها وضع را بهتر نکرده بلکه منجر به فساد بیشتر و پایمال شدن بیشتر حقوق افراد می شود.

آنچه که مسلم است این است که فقههای شیعه و به تبع آن دستگاه قضایی و قانونگذاری ایران به هیچ وجه حاضر به عقب نشینی در برابر درخواست لغو حکم قصاص نفس نبوده و به شدت در برابر آن مقاومت می کند. تلاش های کنشگران در این زمینه در جهت آگاهی بخشی و تشویق وکلا و نواندیشان دینی به تکرار این واقعیت اما می تواند در آینده منجر به عدم اجرا و در نتیجه لغو آن شود.

حقایق درباره اعدام در جهان

۱۰۳۲ نفر در ۲۳ کشور جهان در سال ۲۰۱۶ اعدام شدند.

۱۶۳۴ مورد اعدام سال ۲۰۱۶، در ۲۵ کشور جهان اتفاق افتاده است.

بیشتر اعدام‌ها در چین، ایران، عربستان سعودی، عراق و پاکستان بوده است.

چین همچنان بزرگ‌ترین کشور دارای مجازات اعدام است. اما ابعاد اعدام‌ها در این کشور مشخص نیست.

به جز چین، ۸۷ درصد اعدام‌ها در چهار کشور جهان رخ داده: ایران، عربستان سعودی، عراق و پاکستان.

برای اولین بار آمریکا جزو کشورهای دارای بیشترین تعداد اعدام نبوده است و به مقام هفتم بعد از مصر نزول کرده است. ۲۰ مورد اعدام در آمریکا در سال ۲۰۱۶ روی داده است.

در سال ۲۰۱۶، ۲۳ کشور جهان یعنی یک کشور از هر ۸ کشور جهان، هنوز مجازات اعدام را دارند. نسبت به ۲۰ سال قبل آمار این کشورها کاهش داشته. آن زمان ۴۰ کشور مجازات اعدام داشتند.

بلاروس، یوتسوانا، نیجریه و مقامات دولت فلسطین در سال ۲۰۱۶ اعدام را به حالت تعویق درآوردند.

چاد، هند، اردن، عمان و امارات عربی تا سال ۲۰۱۵ افرادی را اعدام کرده‌اند اما در سال ۲۰۱۶ کسی در این کشورها اعدام نشده است.

۱۴۱ کشور جهان یعنی دو سوم کشورهای دنیا مجازات اعدام را اجرا نمی‌کنند.

در سال ۲۰۱۶ در کشور بنین و نائورو مجازات اعدام را از قانون خود حذف کردند.

اکنون ۱۰۴ کشور جهان چنین قانونی را کلاً از میان برداشته‌اند. تا سال ۱۹۹۷ تنها ۶۴ کشور مجازات اعدام را کلاً حذف کرده بودند.

در سال ۲۰۱۶ تعداد ۳۱۱۷ حکم اعدام در ۵۵ کشور جهان صادر شده که نسبت به سال ۲۰۱۵ افزایش چشمگیری داشته. بخشی از این افزایش به دلیل آن است که تعدادی از کشورها گزارش دقیق‌تری درباره اعدام‌های خود ارائه کرده‌اند.

روش‌های اعدام مرسوم در جهان امروز شامل، گردن زدن، به دار آویختن، تزریق مواد مرگ‌زا، و شلیک است.

اعدام در ملاءعام در ایران و کره شمالی انجام می‌شود.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران/ محمود امیری مقدم

سر دبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تماس با مجله: mail@iranhr.net

